

سومین کاروان معرفت

۲

در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه، چنانکه گفته شد، کم و بیش پای محصلین ایرانی به اروپا باز شده بود. بهمان نسبت که روابط ایران با اروپا توسعه می یافت، مسئله فرستادن شاگرد به اروپا نیز بیشتر مورد توجه واقع میشد. تحصیل زبانهای اروپائی و از همه بیشتر زبان فرانسه بتدریج در میان طبقه حاکمه متد اولمی گشت و ارتباط نامه نگاری هم روز بروز آسان تر میشد. ایجاد روزنامه باعث شد که هر چند گاه خبری از شاگردان خارج در روزنامه انتشار یابد و اولیاء آنها ضمن اطلاع از سلامتی فرزندانشان احساس غرور و افتخاری بنمایند. در شماره گذشته خبری راجع به امتحان میرزا رضا و میرزا حسین ذکر شد، اکنون خبری دیگری هم ذکر میشود؛ «در یکی از روزنامه های پاریس که «لاپاتری» نام دارد نوشته اند که روزی از ماه مه گذشته در دارالامتحان طب پاریس، در مجمع حکمای بزرگ میرزا رضا بمعرض امتحان دکتری در آمده و از عهده جواب جمیع مسائلی که از او پرسیدند در کمال خوبی بر آمده مورد تحسین حضار مجلس گردید. چند روز قبل از میرزا رضا هم یک نفر از شاگردان مدرسه ایران که در فرانسه است امتحان شد او نیز خوب از عهده بر آمد. اینها اولین اشخاصی هستند که از اهل ایران در اروپا منصب علمی گرفته شان دکتری تحصیل کرده اند. ۱. بدیهی است انتشار چنین خبرهایی موجب مسرت خاطر بستگان آنها می گشت. در ۱۲۷۲ فرخ خان کاشانی غفاری که امین الملک لقب داشت، سفارت فرانسه منصوب شد. عموی فرخ خان یعنی میرزا رضا، چنانکه قبلاً گفته شد، از محصلین اعزامی زمان محمد شاه و مدتی در فرانسه تحصیل و کارآموزی کرده بود و قطعاً پس از بازگشت اطلاعاتی از آن کشور بخویشان و آشنایان خود داده. و فرخ خان هم که فرد مبرز و شاخص خاندان بود، از آن اطلاعات آگاه شده بود و شاید بک علت انتخاب او به سفارت هم همین امر بوده است. وقتی فرخ خان از اروپا بازگشت غالب ممالک آن قطعه را دیده و در فرانسه و انگلیس بسیاری از مؤسسات اداری و اجتماعی رامشاهده و بازدید کرده بود. از اخلاق اروپائیان کم و بیش اطلاعاتی حاصل نموده و حتی در مدت اقامت در اروپا اخلاق خود را نیز تغییر داده بود یعنی بازیگردستان خود با احترام و خوشی رفتار مینمود. وی با هوش و کفایتی که داشت متوجه شده بود که برای بهبود وضع اجتماعی و سیاسی ایران خواه و ناخواه باید تمدن جدید را پذیرفت و آسان ترین راه این کار هم فرستادن محصل به اروپاست. دکتر پولاک معلم اطریشی دارالفنون هم که بظاهر صمیمیتی نسبت بسایران داشت و میخواست حقیقه پایران خدمت کند، از علاقه فرخ خان و تقرب او در نزد شاه استفاده کرده خواهش نمود وسایل اعزام محصلین با استعداد دارالفنون را به اروپا فراهم نماید.

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه هم که تازه رئیس و همه کاره دارالفنون شده بوده ، بسا این امر یعنی فرستادن محصل باروپا کاملاً موافق بود تا آن را نتیجه حسن خدمت خود جلوه دهد .
ناصرالدین شاه هم هر چند متلون و هوس باز بود بعلمت خدمتی که ظاهراً ناپلئون سوم باو کرده و وی را از چنگ انگلیس ها و جنگ با آنها رهانیده بود ، بفرانسه ابراز علاقه میکرد و مناسب ترین موقع برای اظهار این نظر همین موقع بود . وانگهی با این عمل تظاهر بدوستی تمدن و تجدد نیز میتوانست بکند . بنا براین ، برای اعزام محصل همه مقتضیات موجود و موانع مفقود بود و لذا این کار بسرعت صورت گرفت .

یجاست که گفته شود ، در دوره اول دارالفنون چندتن از کودکان و جوانان خیلی با استعداد بمدرسه وارد شده بودند ، که اگر بتحصیلات و خدمات آنان توجه و عنایتی ، چنانکه در دنیای مرقی مرسوم است ، بعمل آمده بود ، میتوانستند در پیش بردن وطن خود مصدر خدماتی خیلی گرانها شوند . انتخاب محصلین نیز خیلی بحقیقت و واقع نزدیک و دور از حسب و بغض و اعمال نظر و تفوق شخصی و خانوادگی بود ، بدلیل اینکه پسر نواده رضا قلی خان هدایت ناظم مدرسه هم در میان فارغ التحصیلها وهم کلاس محصلین اعزامی بودند و انتخاب نشدند در صورتیکه فی المثل شیخ جلیل اصفهانی انتخاب و اعزام شد . از طرف دیگر هنوز تجارت علم و بدست آوردن ارزاز راه پذیرفتن محصل و فروش رساله و دادن درجه دکتری سست و بی مایه در اروپا مرسوم نشده بود ، و محصلین ناچار بودند در کار خود کوشش بخرج دهند . هدف آنها هم خوش گذرانی و عیش و نوش نبود ، سرپرستی عالی آنها هم بامردی بود دقیق و جدی و مقتدر چون حسنعلی خان امیر نظام که از مراقبت احوال آنها غافل نبود و نمیگذاشت که از راه خود منحرف شوند .

و اما دلیل اینکه فرخ خان امین الملک و امین الدوله بعدی ، در این کار سهم مهم داشت این است که از چهل و دو تن محصل اعزامی هشت نه تن کاشانی و چهار پنج نفر از بستگان و نزدیکان او بودند و او این کار را نه از جهة اظهار نفوذ و قدرت خود کرده بود بلکه از جهت اینکه پدر و مادرها تشویق شوند و فرزندان خود را با اطمینان خاطر به اروپا بفرستند . بهر حال پس از بازگشت فرخ خان ، حسنعلی خان امیر نظام گروسی بسفارت فرانسه مأمور گشت و بهمراه او چهل و دو نفر محصل و کارآموز که چهارده نفر آنها از فارغ التحصیل های دارالفنون بودند بسرپرستی عبدالرسول خان ۲ نواده حاج محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی صدراعظم فتحعلی شاه که خود نیز از همان فارغ التحصیلها ، اما یا مسن تر و یا پر جزیره تر بود برای تحصیل و هنر جوئی اعزام شدند .

انتخاب محصلین در اوایل ماه (حج ۱۲۷۵) بعمل آمد ۲ و روز هشتم شعبان حسنعلی خان به اروپا حرکت کرد و روز ۲۷ شعبان اعتضاد السلطنه محصلین را با خود بیابغ سرستان برد و بحضور شاه معرفی نمود ۴ و مراتب تحصیل هر يك را بعرض رسانید . شاه برسم معمول

۱ - اصل فکر از آقای محیط طباطبائی در مقالات مفصل و مسلسل ایشان در روزنامه

شفق سرخ ش ۲۳۹۲-۱۵ تیر ۱۳۱۲ بيمد . ۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۳۹

۳ - همان مرجع ص ۲۳۵ که از سیاق نقل اخبار مستفاد میشود - مقالات آقای محیط .

۴ - مقالات آقای محیط .

شاهی اشرفی بایشان عیدی داد و آنها را مرخص نمود و دستور داد که روز پنجم رمضان حرکت کنند. ۱۰ کاروان دانش‌جویان روز ۶ رمضان از طهران بسمت تبریز حرکت کرد ۲ و در آنجا بهیئت سفارت ملحق شد و جمعی از راه‌خوی و ارزنة‌الزوم و طراپوزان و دریای سیاه باسلامبول و از آنجا از راه دریای مدیترانه و مارس بفرانسه رفتند و روز ششم محرم ۱۲۷۶ مطابق ۱۶ اوت ۱۸۵۹ ساعت ۵ بعدازظهر ۳ وارد پاریس شدند. یک هفته بعد در روز چهاردهم محرم حسنعلی خان در عمارت «سن کلو» به حضور ناپلئون سوم معرفی شد و مأموریت خود را در بارهٔ محصلین بااطلاع او رسانید ۴.

رشته‌هایی که برای محصلین تعیین شده بود. طب بود و مهندسی و توپخانه و سواره نظام و پیاده نظام و نجوم و نقاشی و فلزکاری و کاغذسازی و زرگری و چینی‌سازی و نجاری. وزیرمختار بعد از ادای مراسم رسمی آنها را بمدارس و کارخانه‌های پاریس و شهرستانهای فرانسه فرستاد و امور زندگی و تحصیل ایشان را مرتب نمود و چون همهٔ آنها بزبان فرانسه آشنائی نداشتند تا مدتی ایشان را بمعلمین مخصوص سپردند که آنها را برای دخول بمدارس آماده سازند. پس از یکسال اقامت در پاریس، حسنعلی خان، پسر خود و سه تن از نزدیکانش را برای تحصیل پاریس خواست و این چهارتن در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۲۷۷ وارد پاریس شدند. ۵ جای تأسف است که از این محصلین شرح حالی باقی نمانده و یا اگر مانده چاپ نشده و کسان و بستگان هم چنانکه باید به معرفی آنها نپرداخته‌اند در صورتیکه برخی از آنها خیلی هوشیار و مستعد بوده و خوب کار کرده‌اند و احقاً سزاوار این کمنامی و گمنامی نیستند. امید است که بازماندگان آنها بجزبران گذشته پردازند و آنچه از آنان دارند و میداند انتشار دهند تا بروشن شدن قسمتی از تاریخ ایران کمک شده باشد. بنده نیز زنده با کمی سرمایه در مقام تحقیق احوال آنان برآمده و اندکی بمقصود نزدیک شده است و بامید آنکه بازماندگان فرزندان این آقایان باصلاح اشتباهات بنده پردازند و اطلاعات بیشتری در اختیار خوانندگان مجلهٔ شریفه نیما بگذارند به انتشار این مقالات مبادرت مینماید.

اسامی این محصلین و رشته و مراتب تحصیلی و اجمال شرح احوال آنان، تا آنجا که بنده اطلاع یافته‌ام از اینقرار است:

۱- **عبدالرسول خان ولد عبدالحسین خان اصفهانی نوادهٔ مرحوم صدر**، که سمت ریاست بر همه داشت. وی در ریاضی قوی دست بود. نوشته‌اند که در زمان امیر کبیر همراه میرزا احمدخان فراهانی ناظم دیوان مأموریتی به هرات یافت ۶ و نیز در همان زمان نقشه‌ای از تهران تهیه نمود که مرحوم عبدالرزاق خان بنایری در ذیل نقشه‌ای که در سال ۱۳۲۸ قمری ترسیم کرده آن را تأیید نموده است. ۷ از اینرو در موقع اعزام بفرانسه باید از حدود

۲۰۱ مقالات آقای محیط - مرآت البلدان (ج ۲ ص ۲۳۰) حرکت محصلین را از طهران را پنجم شهر رمضان نوشته است. ۳- مقالات آقای محیط - مجلهٔ یادگار ص ۳ ش ۷۰۶

ص ۱۳ بدون ذکر روز. ۴- مقالات آقای محیط (این مقالات را بنده تماماً استنساخ خواهم کرد اگر مجلهٔ نیما بمناسبتی خواسته باشد مجدداً انتشار دهد تقدیم میکنم.)

۵- مقالات آقای محیط. ۶- امیر کبیر و ایران آقای دکتر فریدون آدمیت ق ۳ ج ۱ ص

۶۱۵. ۷- زندگانی میرزاتقی خان امیر کبیر آقای حسین مکی ج ۳ ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

جوانی گذشته و بمردی نزدیک شده باشد. بمناسبت استعدادی که در ریاضی داشت همین رشته را برگزید و مدت هشت سال بتحصیل در آن اشتغال ورزید. پس از بازگشت به ایران مدتی در دارالفنون: ندریس مینمود و چون حکومت ملایر به اعتضاد السلطنه داده شد او به نیابت وزیر علوم یعنی اعتضاد السلطنه به آن شهر مأمور شد و پس از چندی به نیابت حکومت گیلان منصوب گشت و به منصب سرتیپی و دریافت حمایل و نشان از این درجه نایل شد و سرانجام در سال ۱۲۹۱ چشم از جهان پوشید ۱.

۳ - میرزا عباس خان ولد میرزا رضا خان مهندس باشی - وی نیز در ریاضی تحصیل نمود و مدت هشت سال در مدرسه پوولی تکنیک پاریس بتحصیل اشتغال داشت. پس از بازگشت به ایران چندی در وزارت جنگ بخدمت مشغول بود و به بعضی خدمات سرحدی مأموریت یافت. چندی هم مقام وزارت احتساب (بجای شهرداری فعلی طهران) باو سپرده شد و در این مأموریت میخواست برای طهران هم مانند پاریس خیابانهائی بسازد اما توفیق نیافت و بقول مرحوم مجدالاسلام کرمانی «... مردمان طماع که میخواستند از عرض و طول خیابانها بدزدند و برای خودشان دکان و مستغل سازند مانع انجام خیالش شدند و معزول و خانه نشین شد...» و چون میرزا عبدالوهاب خان نظام الملک بحکومت فارس تعیین شد او نیز جزء اجزاء حکومت بفارس رفت ۲ و پس از آن دیگر کاری باو رجوع نشد ۲. صاحب ترجمه مدتی هم با منصب سرتیپی دوم سمت تشریفاتچی نظام و سفراء را داشت و بخطاب «مهندس حضور» مخاطب بود و هم اوست که در قفقاز به اشتباهاً بجای میرزا علی اصغر خان امین السلطان گرفته شد و بسوی او تیراندازی کردند ولی صدمه چندانى به او وارد نیامد و ممالجه شد ۳.

۳ - عباسقلی خان فرزند اسفندیاریک گرجی و برادر صاحب جمع - شش سال در پاریس بتحصیل اشتغال داشت و پس از فرا گرفتن علوم ریاضی و فنون نظامی بایران بازگشت و در خدمت کامران میرزا نایب السلطنه وارد شد و رفته رفته در مراتب نظامی بالا رفته بمنصب امیرتومانی رسید و لقب «اعتماد نظام» یافت ۴.

۴ - میرزا محمود ولد میرزا احمد قمی - بعد از تحصیل در دارالفنون، چون پاریس اعزام شد، رشته تحصیلی او را نجوم معین نمودند. پس از تکمیل مقدمات این علم، در رصدخانه بزرگ پاریس بکارگماشته شده و ستاره شناسی را عملاً آموخت. مدتی نیز در رصدخانه بروگسل به آموختن نجوم اشتغال داشت ۶. میرزا محمود از محصلین بسیار با استعداد دارالفنون بود، دو سال بیشتر در مدرسه تحصیل نکرد که او را به اروپا فرستادند. در رصد

-
- ۱ - مرآت البلدان ج ۲ - ص ۸۵ (۱-۴) مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶
 بیعد. بنا بمندرجات آن مجله مرحوم مجدالاسلام کرمانی تاریخی از دوره قاجاریه داشت که در نزد فرزند ایشان آقای بهرام مجدزاده موجود است و این مقاله از آن کتاب است.
 (۲ - ۴) مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵. ۲ - مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶
 بیعد (۱ - ۶) مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۵ ۳ - حیات یحیی ج ۲ ص ۱۲۰.
 ۴ - مجله آموزش و پرورش س ۲۴ ش ۱ ص ۳۶ بیعد. ۵ - مقالات آقای محیط و مقاله مرحوم مجدالاسلام. روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۵۵ و ۵۷۰. ۶ - روزنامه دولت علیه ایران نمره ۵۷۰.

خانه پاریس زیر دست «لوریه» منجم مشهور فرانسوی کار میکرد ۱ و از خوبی کار او بوده است که او را به بروگسل فرستاده اند. چنانکه مشهور است یکی از سیارات کوچک بین مدار مریخ و مشتری را کشف کرد و آن را «ستاره محمودی» یا «سیاره محمودی» نامید. ۲۲ چنین کسی با اینهمه استعداد و تحصیل و تخصص چون به ایران بازگشت او را در تلگرافخانه بکار گماشتند، آن هم باین علت که زبان خارجه میدانست ۲. در این شغل عنوان و خانی و منصب سرهنگی به او دادند و تا مقام «ریاست مرکزی تلگرافخانه» و «ناظم تلگرافخانه» ترقی یافت ۳. اما چون بیشتر مطابق میل حاج میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم وقت عمل مینمود شاه او را معزول کرد. ۴ سپهسالار واسطه او شد و با لقب «مشیرالوزاره» در وزارت امور خارجه شغلی یافت و بسمت کارپردازی و بعداً قونسولی بیغداد رفت ۵ و چندی نیز ژنرال قونسول طرابوزان شد ۶ و زمانی نیز در عدلیه خدمت مینمود و در اواخر حال، در زمان وزارت تجارت سعدالدوله، بریاست محاکمات تجارت منصوب شد و مشاورالملک لقب یافت. پس از آن بیکار شد ۷ و تا آخر عمر همچنان بیکار ماند و هیچ گاه بهیچ صورت از تخصص او استفاده ای نشد در صورتیکه در سال ۱۲۸۲ تقویمی بنام «تقویم ناصری» بروش اروپائی استخراج و تنظیم و بشاه تقدیم کرد. در آغاز این تقویم مینویسد «... من از طریق اعتضاد السلطنه در دارالفنون هندسه آموختم و پس از دو سال تحصیل در آنجا که ریاستش با عبدالرسول خان سرهنگ بود با چهل و یک نفر از نجیبزادگان بفرنگستان رفتم و در پاریس علم نجوم تحصیل کردم...» ۸ وی پدر مرحوم میرزا احمدخان کمالالوزاره ۹ و برادر خانلرخان ۱۰ جد آقای دکتر پرویز خانلری است. مشرب عرفان داشت و در طریقت مرید استاد غلامرضا شیشه گر بود. مرحوم حاجی پیرزاده در باره او مینویسد: «... میرزا محمودخان بسیار آدم ظریف نجیبی از اهل قم، خدمت مرحوم استاد غلامرضا رسیده و بشرف فقر مشرف شده و واقماً فقیرمنش و درویش دوست و متدین و با مذهب و خوش عقیده، با وجودیکه سالهای سال در فرنگستان توقف داشته اند نیت و اعتقادشان با کمال درستی و استحکام است...» ۱۱ (بقیه دارد.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
- ۱ - همان روزنامه نمره ۵۵۵ . ۲ - مقالات آقای محیط و مقاله مرحوم مجدالاسلام . ۳ - خاطرات و خطرات ج ۲ ص ۶۰ . ۴ - همین مدرک و مقاله مرحوم مجدالاسلام . ۵ - خاطرات و خطرات ج ۲ ص ۶۰ . ۶ - همین مدرک . مقاله مرحوم مجدالاسلام . ۷ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۸۶ . ۸ - مقاله مرحوم مجدالاسلام . ۹ - فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی آقای انوار ص ۳۲۸ . ۱۰ - فهرست کتابهای چاپی آقای مشیارحرف ج ۵۴۵ . ۱۱ - خاطرات ج ۲ ص ۶۰ . ۱۱ - سفرنامه حاجی پیرزاده نسخه خطی مجلس ص ۴۷۵ .